فصلنامه علمي اقتصاد و بانكداري اسلامي، شماره ..... ، فصل سال – صفحات ۲۰-۱

طراحی الگوی توسعه تصمیم گیری های مالی با رویکرد نوین توانمندسازی روانشناختی

نوع مقاله: پژوهشی

زهرا شیرکوند[۱]
نعمت رستمی[۲]
یوسف تقی‌پوریان[۳]
رضیه علی‌خانی[٤]
رضا فلاح[٥]

تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

چکیده
مدل‌های کلاسیک مالی با اتکا بر پیش‌فرض عقلانیت کامل، از نقش پویایی‌های رفتاری در تحلیل‌های حسابداری غفلت کرده‌اند؛ ازاین‌رو، پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی جامع توسعه تصمیم‌گیری‌های مالی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران از طریق سازوکارهای نوین توانمندسازی روان‌شناختی انجام گرفت. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی-اکتشافی، از نظر پارادایم، تفسیری و از نظر استراتژی، کیفی است که با رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (اشتراوس و کوربین) اجرا شد. داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۸ تن از خبرگان، استراتژیست‌ها و مدیران ارشد مالی بورس تهران که به روش هدفمند قضاوت‌محور و زنجیره‌ای انتخاب شدند، گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار **MAXQDA** تحلیل گردید. فرآیند کدگذاری به استخراج ۶۰ کد باز و ۱۵ مقوله فرعی در قالب مدل پارادایمی منجر شد که نشان می‌دهد شرایط علّی شامل نااطمینانی بازار و تقلیل‌گرایی مدل‌های سنتی، بازمهندسی نظام تصمیم‌گیری را به عنوان پدیده محوری تحمیل می‌کنند. این فرآیند تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای (بوروکراسی تمرکزگرا و فرهنگ ملامت‌محور) و شرایط مداخله‌گر (بی‌ثباتی اقتصاد سیاسی و الزامات سودآوری فصلی)، نیازمند راهبردهایی چون تدوین اسناد بومی حکمرانی رفتاری، نظام پاداش فرآیندمحور و ساختارهای آزمایشی ایمن است. در نهایت، پیاده‌سازی این نظام یکپارچه به مهار ارگانیک سوگیری‌های شناختی، ارتقای چابکی پورتفوی و تاب‌آوری سیستماتیک شرکت‌ها منجر شده و با ایجاد چرخش پارادایمی از نگاه فنی-محاسباتی به توانمندسازی شناختی، قضاوت حرفه‌ای کارشناسان را احیا و خطاها را به حداقل می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: تصمیم‌گیری مالی، توانمندسازی روان‌شناختی، بورس اوراق بهادار تهران، نظریه داده‌بنیاد، مالی رفتاری.
طبقه‌بندی JEL: G40, G41, G30, D91

---

۱ گروه حسابداری،واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران Zahra.shirkavand9672@iau.ac.ir
۲ گروه حسابداری،واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول) nemat.rostami@iau.ir
۳ گروه حسابداری،واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران ytaghipouryan@iau.ac.ir
٤ گروه حسابداری،واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران raziehalikhani@iau.ac.ir
٥ گروه حسابداری،واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران Dr.rezafallah@iau.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

مقدمه

تصمیم‌گیری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در اوراق بهادار، به عنوان عاملی حیاتی در ثبات و رشد اقتصادی، از موضوعات مورد اقبال پایدار در جامعه علمی و حرفه‌ای است(محمد[1] و همکاران، ۲۰۲۲) .در رویکردهای سنتی، فرض بر عقلانیت کامل تصمیم‌گیرندگان بود؛ اما با ظهور مالی رفتاری، تأثیر گسترده عوامل روان‌شناختی و سوگیری‌های شناختی و هیجانی بر این فرایند اثبات شد (سیکولیا[2] و همکاران، ۲۰۲۵).این تحول نظری، افق‌های جدیدی را برای ترویج رفتارهای اخلاقی و بهبود تصمیمات سازمانی از طریق سازه‌هایی چون «توانمندسازی روان‌شناختی» گشوده است (جانت[3] و همکاران، ۲۰۲۵ ;دیلون[4] و همکاران، ۲۰۲۰) .امروزه فرآیند تصمیم‌گیری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در اوراق بهادار در بستری از چالش‌های به هم پیوسته رفتاری، ساختاری و فناورانه صورت می‌پذیرد (خاره و کاپور[5]، ۲۰۲۴) .

در محیط متلاطم بازارهای مالی، ظهور مستمر ریسک‌های نوین، نیاز مبرمی به توسعه ابزارهای کمی پیشرفته و مدل‌های جامع ارزیابی ریسک ایجاد کرده است (یوان‌فانگ[6]، ۲۰۲۳) .از سوی دیگر، شواهد پژوهشی نشان می‌دهند قضاوت حرفه‌ای مدیران در فرآیندهایی چون برآوردهای حسابداری، ارزیابی پروژه‌های سرمایه‌ای بر مبنای ارزش اقتصادی افزوده و انتخاب رویه‌های مالی اغلب تحت تأثیر سوگیری‌هایی مانند اعتماد به نفس بیش‌ازحد، رفتار گله‌ای و اجتناب از زیان قرار می‌گیرد .این پدیده در بازارهای نوظهور با عدم اطمینان بالا، تشدید شده و به اتخاذ تصمیمات ناکارآمد و نوسانات بازار می‌انجامد (چرنویچینه و کاباژینسکاس[7]، ۲۰۲۴ ;حدباء و بوتی[8]، ۲۰۱۹کاناپیکینه[9] و همکاران، ۲۰۲۴) .این چالش‌های روان‌شناختی با ضعف در بنیان‌های تحلیلی، غفلت از تحلیل‌های ساختاریافته مالی و کمبود سواد مالی تشدید می‌شود؛ به طوری که این انحرافات ادراکی مستقیماً کیفیت اقلام تعهدی را مخدوش ساخته، بستر را برای دستکاری سود و اتخاذ محافظه‌کاری افراطی غیرشرطی هموار می‌کند و در نهایت با بازتولید ریسک اطلاعاتی شدید، صحت گزارش‌های مالی و شفافیت اطلاعاتی بازار سرمایه را به مخاطره می‌اندازد (مو[10] و همکاران، ۲۰۲۴) .

علاوه بر موانع رفتاری، محدودیت‌های ساختاری و فناورانه نیز ظرفیت پردازش اطلاعات حسابداری را محدود می‌سازند. ضعف در سواد مالی دیجیتال و فقدان مدل‌های ارزیابی نظام‌مند، فرآیند گذار به عصر دیجیتال را در این شرکت‌ها کند کرده است (لی[11]، ۲۰۲۵) .همچنین ادغام فناوری‌های پیشرفته‌ای مانند هوش مصنوعی در چرخه تصمیم‌گیری مالی و حسابرسی سیستم‌ها، علیرغم وعده بهبود کارایی، در عمل با موانعی چون پیچیدگی فنی، عدم شفافیت مدل‌ها، سوگیری

1 Muhammad et al.
2 Sikolia, Mukanzi, et al.
3 Jannat et al.
4 Dhillon et al.
5 Khare & Kapoor
6 Yuanfang
7 Černevičienė & Kabašinskas
8 Hadbaa & Boutti
9 Kanapickienė et al.
10 Mo et al.
11 Li

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

الگوریتمی و چالش‌های مقرراتی روبرو است (نظری و مختارالدین[1]، ۲۰۲۵) .در پاسخ به این چالش‌های مرکب، ادبیات علمی «توانمندسازی روان‌شناختی» (تقویت احساس شایستگی، استقلال، معنا و تأثیرگذاری) را به عنوان مکانیسمی مؤثر برای مهار رفتارهای فرصت‌طلبانه در گزارشگری، تقویت رفتار اخلاقی و اتخاذ تصمیمات عقلانی‌تر معرفی می‌کند .

با این حال، ادبیات موجود کمتر به بررسی موانع عملیاتی ناشی از تلفیق این رویکرد نوین با فرآیندهای پراسترس مالی پرداخته است (سیکولیا[2] و همکاران، ۲۰۲۵). در واقع، درک روشنی از چالش‌هایی چون تضعیف احتمالی ساختارهای کنترل ریسک یا تنش میان اختیار فردی و انضباط سازمانی وجود ندارد(استانیولینه و زاوکیس[3]، ۲۰۲۲) .برای فائق آمدن بر این موانع، به رویکردی یکپارچه نیاز است تا همزمان ظرفیت‌های روان‌شناختی تصمیم‌گیرندگان و الزامات فنی-ساختاری (مانند دسترسی به اطلاعات و روش‌های چندمعیاره ارزیابی ریسک) را پوشش دهد (جانت و همکاران،۲۰۲۵)این چالش‌ها در محیط بورس اوراق بهادار تهران نمود ویژه‌ای دارد؛ پایبندی به ساختارهای سنتی و سلسله‌مراتبی، مشارکت کارکنان را محدود کرده و مزایای توانمندسازی روان‌شناختی را کاهش داده است .اگرچه برخی یافته‌ها نشان می‌دهند برندینگ داخلی و توانمندسازی روان‌شناختی تأثیر مستقیمی بر عملکرد کمی مالی ندارند و بیشتر بر وفاداری به برند مؤثرند، اما باورها و اعتماد به نفس مدیران مستقیماً بر تصمیمات سرمایه‌گذاری اثرگذار است .از این رو، طراحی یک الگوی بومی و تفسیری که تعامل میان ساختارهای سازمانی، سواد مالی و توانمندسازی روان‌شناختی را در بازار سرمایه ایران تبیین کند، ضرورتی انکارناپذیر است .

علاوه بر این، ساختار سازمانی شرکت‌های کارگزاری و تأمین سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران، به شدت سلسله‌مراتبی و متأثر از رفتارهای توده‌وار است که این امر امکان تعمیم‌پذیری مفاهیم اثبات‌شده در بازارهای توسعه‌یافته را سلب می‌کند. مطالعات گذشته نتوانسته‌اند ابعاد ظریف ژئوپلیتیک سازمانی و مقاومت‌های بازار اوراق بهادارتهران را در پذیرش مدل‌های نوین رفتاری کشف کنند؛ امری که تنها با اتکا به یک رویکرد اکتشافی و ژرف‌نگر میسر است. از منظر روش‌شناختی نیز پیشینه پژوهش فاقد یک الگوی فرآیندی بومی، تفسیری و چندبعدی است که بتواند پویایی‌های رفتاری را به ساختارهای سنتی حسابداری و چالش‌های نوظهور فناورانه (نظیر هوش مصنوعی و سواد دیجیتال) پیوند بزند.

در راستای پوشش این شکاف‌ها، پژوهش حاضر سه سطح از نوآوری را محقق می‌سازد. در سطح نظری، توسعه مفاهیم مالی رفتاری از طریق ارائه یک الگوی ساختارمند بومی صورت می‌گیرد که برای نخستین بار، متغیرهای روان‌شناختی را در کنار الزامات حسابداری و مالی پیشرفته (مانند ارزش اقتصادی افزوده و مدل‌های ارزیابی ریسک) به عنوان محرک های تصمیم‌گیری تبیین می‌کند. در سطح روش‌شناختی، این پژوهش با خروج از رویکردهای اثبات‌گرایانه و تک‌بعدی کمی، از استراتژی کیفی ژرف‌نگر بهره می‌گیرد و با تکیه بر مصاحبه‌های عمیق و تخصصی با خبرگان و استراتژیست‌های بورس تهران، لایه‌های پنهان سازمانی و رفتاری را که در قالب اعداد و پرسشنامه‌ها قابل‌ارزیابی نیستند، کشف و مدل‌سازی می‌کند. در نهایت، از نظر کاربردی، این پژوهش یک چارچوب توسعه تفسیری و نقشه راه

1 Nazari & Mukhtaruddin
2 Sikolia, Bahr, et al.
3 Staniulienė & Zaveckis

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

فرآیندی برای مدیریت ارشد بورس تهران فراهم می‌آورد تا بتوانند سیستم‌های کنترل داخلی و انضباط مالی را بدون سرکوب خلاقیت و توانمندی روان‌شناختی نیروهای متخصص، بازآفرینی کنند.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فهم ژرف از پویایی‌های حاکم بر تصمیم‌گیری‌های مالی در سازمان‌های امروزی، مستلزم عبور از دیدگاه‌های سنتی تک‌عاملی و حرکت به سوی انگاره‌های تلفیقی است؛ رویکردی که بتواند اقتضائات ساختاری و رفتاری را به طور هم‌زمان و متوازن کالبدشکافی کند(چرنویچینه و کاباژینسکاس، ۲۰۲۴). بر این مبنا، شالوده نظری پژوهش حاضر بر سه رکن اساسی یعنی فرآیند گزینش مالی، سازه انگیزش‌شناختی نیروهای انسانی، و انحرافات قضاوت حرفه‌ای استوار است که در بستر پرنوسان بازار سرمایه با یکدیگر تلاقی می‌کنند.

ادبیات مدون در قلمرو توسعه تصمیم‌گیری‌های مالی، گویای آن است که متغیرهای متعددی این فرآیند حیاتی را دربسترهای مختلف سازمانی تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگرچه ابزار آموزش در ارتقای گزینش‌های مالی نقشی کلیدی ایفا می‌کند، اما هرگز نباید آن را تنها رکن تعیین‌کننده در رفتارهای مالی قلمداد کرد (چوکه-کوپاری[1] و همکاران، ۲۰۲۴) .یافته‌های پژوهشی گواهی می‌دهند که خطاهای ادراکی نظیر خودپسندی مفرط در تحلیل و نیز قالب‌بندی‌های ذهنی، سرمایه‌گذاران را در اولویت‌بندی و سنجش گزینه‌های پیش‌رو دچار انحرافات جدی می‌سازند (الفیانا[2] و همکاران، ۲۰۲۵) .از زاویه‌ای دیگر، پیوند میان بهروزی مالی با خرسندی درونی و تصمیمات بعدی واکاوی شده است؛ بدین معنا که فرآیندهای کارآمد در تخصیص منابع، کاتالیزوری برای ارتقای سطح رفاه مالی افراد به شمار می‌روند (دوی و پوروانتورو[3]، ۲۰۲۴) .

علاوه بر مؤلفه‌های فردی، بستر حاکم بر سازمان و به ویژه الگوهای هدایتگری و ارزش‌های سازمانی، نقشی تعیین‌کننده در جهت‌دهی به این فرآیندها دارند؛ چنان‌که مدل‌های تبیین‌کننده اثرگذاری ارزش‌های مفروض مدیران ارشد بر راهبردهای تخصیص منابع، گویای اهمیت بسزای منش رهبری در هدایت کلان ساختارهای مالی است (آگاروال[4] و همکاران، ۲۰۱۵).

در فضای درون‌سازمانی، سازه توانمندسازی روان‌شناختی به عنوان یکی از نیرومندترین پیش‌ران‌های رفتاری شناخته می‌شود که مستقیماً کیفیت و پیامدهای تصمیم‌گیری را دگرگون می‌سازد. این مفهوم بر ضرورت ارتقای بازدهی و بهروزی روانی نیروی کار در تلاطم‌های سازمانی پافشاری می‌کند و در ادبیات مدیریت، به عنوان یک سازه انگیزشی درونی مشتمل بر چهار تجلی بنیادین یعنی احساس معنا، شایستگی حرفه‌ای، خودمختاری و تأثیرگذاری تبیین می‌شود (میلحم[5] و همکاران، ۲۰۲۴) .شواهد حاکی از آن است که کارکنان واجد احساس توانمندی، خشنودی شغلی و بازدهی بالاتری را به نمایش می‌گذارند؛ پدیده‌ای که در صنایع نیازمند واکاوی مداوم ریسک و پاسخ‌های سریع، نمودی دوچندان می‌یابد و سبک‌های رهبری

1 Choque-Copari et al.
2 Alfiana et al.
3 Dewi & Purwantoro
4 Agarwal et al.
5 Milhem et al.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

تحول‌آفرین می‌توانند این ظرفیت بالقوه را بیدار کنند (اوچوا پاچکو[1] و همکاران، ۲۰۲۳) .افزون بر این، توانمندسازی روان‌شناختی به عنوان یک متغیر واسط در پیوند میان شیوه‌های هدایت سازمانی و پیامدهای رفتاری کارکنان عمل کرده و نشان می‌دهد که رهبری اثربخش چگونه به خلق نیروی کار خودانگیخته و مستقل می‌انجامد(گوئررو[2] و همکاران، ۲۰۱۸) .تکاپوهای علمی همچنین بر نقش محوری انگیزش درونی پای می‌فشرند؛ چرا که نیروهای توانمندشده، رسالت کاری خود را پرمفهوم‌تر یافته و این ادراک به بهبود انتخاب‌ها و تقلیل تنش‌های شغلی یاری می‌رساند(گارسیا-خوان[3] و همکاران، ۲۰۲۰).

پیوستگی ابعاد یادشده، مفهوم نوین توانمندسازی روان‌شناختی در تصمیم‌گیری‌های مالی را شکل می‌دهد که تمرکز اصلی پژوهش حاضر بر آن استوار است. در چشم‌انداز مدیریت مالی مدرن، این الگوی ترکیبی به عنوان یک پارادایم نوظهور قلمداد می‌شود که خاستگاه آن نظریه‌های روان‌شناسی سازمانی بوده و بر نقش بی‌بدیل متغیرهای روانی در جهش کیفی قضاوت‌های مالی پای می‌فشارد. با اتکا به دستاوردهای کلاسیک اسپریزر [4](۱۹۹۵)، تلفیق حس معناداری، صلاحیت تخصصی، آزادی عمل و اثربخشی سازمانی، محیطی را پدید می‌آورد که کارگزاران در آن به اتخاذ تصمیمات مالی منصفانه‌تر، اخلاقی‌تر و مسئولانه‌تر ترغیب می‌شوند (جانت و همکاران،۲۰۲۵).

یافته‌های تجربی نشان می‌دهند مدیران توانمند در مواجهه با چالش‌های مالی، رویکردی فعالانه‌تر و تحلیلی‌تر اتخاذ می‌کنند. یکی از مهم‌ترین تأثیرات این سازه، کاهش قابل توجه سوگیری‌های شناختی در تصمیم‌گیری‌های مالی است؛ به طوری که مدیران برخوردار از سطح بالای توانمندسازی، کمتر در دام خطاهایی مانند اعتماد به نفس کاذب یا اجتناب نامعقول از ریسک گرفتار می‌شوند (ماهاما و چنگ[5]، ۲۰۱۳) .در این میان، فرهنگ سازمانی به عنوان بستر اصلی شکل‌گیری این احساس عمل می‌کند و سازمان‌هایی که فرهنگ مشارکتی را ترویج می‌کنند، شاهد بهبود محسوسی در کیفیت تصمیم‌گیری‌های مالی خود هستند. برای تحقق این هدف، سرمایه‌گذاری در برنامه‌های آموزشی تخصصی که هم سواد مالی و هم مهارت‌های شناختی مدیران را تقویت کند، ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا این برنامه‌ها با ارتقای خودآگاهی مدیران، زمینه را برای تصمیم‌گیری‌های مالی اثربخش‌تر فراهم می‌آورند. در چشم‌انداز آینده، بررسی شرایط زمینه‌ای بورس و بازار سرمایه می‌تواند به درک بهتر چگونگی این رابطه کمک کند، چرا که ادغام اصول توانمندسازی روان‌شناختی در فرآیندهای مالی، نه تنها به بهبود خروجی‌ها می‌انجامد، بلکه زمینه را برای شکل‌گیری فرهنگ سازمانی مسئولیت‌پذیر فراهم می‌سازد (جانت و همکاران،۲۰۲۵).

ترسیم دقیق نقاط کور و خلاءهای موجود در ادبیات پژوهش، در گرو بررسی موشکافانه روند تکاملی مطالعاتی است که از تبارشناسی مالی رفتاری آغاز شده و به نظریه‌های نوین مدیریت سازمانی ختم می‌شوند. گشت‌های نظری در عرصه مالی، نشانگر عبور از پیش‌فرض‌های کلاسیک مبتنی بر عقلانیت مطلق و کارایی بلامنازع بازار، و گرایش به سوی مالی رفتاری

1 Ochoa Pacheco et al.
2 Guerrero et al.
3 García-Juan et al.
4 Spréizer
5 Mahama & Cheng

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

است که وزن بالایی برای متغیرهای روان‌شناختی در فرآیند گزینش قائل است. کاناپیکینی و همکاران[1] (۲۰۲٤) در پژوهشی مروری، این چرخش پارادایمی را تحلیل نموده و مبرهن ساختند که انحرافات رفتاری به شکلی نظام‌مند، تصمیمات سرمایه‌گذاری و نوسانات بازار را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. در امتداد این ایده، خاری و کاپور [2](۲۰۲٤) با انجام پژوهشی تجربی در یک بازار نوظهور اثبات کردند که حتی تحلیلگران و متخصصان ارشد مالی نیز در برابر این خطاهای ادراکی مصونیت نداشته و پدیده‌های روان‌شناختی می‌توانند خروجی تصمیمات آنان را به سوی رفتارهای غیرمنطقی سوق دهند.

همگام با مطالعات عارضه‌شناسانه مذکور، نحله دیگری از پژوهش‌ها بر ارائه استراتژی‌های ترمیمی در ساختار سازمان تمرکز یافته‌اند. اُرگامبیدیزی و همکاران[3] (۲۰۲٤) در مطالعه خود نشان دادند که توانمندسازی ساختاری (نظیر تسهیل دسترسی به منابع و اطلاعات کلیدی) از معبر تقویت توانمندی‌های روان‌شناختی افراد، دستاوردهای ارزشمندی چون توسعه نوآوری و ابتکار عمل‌های فردی را در پی دارد. در تکمله این بحث، پژوهش کومار و همکاران[4] (۲۰۲۳) بر نقش متغیرهای زمینه‌ای همانند سواد مالی دیجیتال و استقلال مالی در ارتقای کیفیت و عمق تصمیمات مالی پای می‌فشارد. در اتمسفر سازمانی ایران نیز، تاجیک و همکاران (۱٤۰۲) به شناسایی و رتبه‌بندی پیش‌ران‌های شناختی و ساختاری مؤثر بر گزینش‌های راهبردی مالی در یک بنگاه بزرگ همت گماشتند. به طور مشابه، دهرویه و همکاران (۱٤۰۰) در بستر شبکه بانکی، جایگاه میانجی‌گرانه اخلاق حرفه‌ای را در پیوند میان خصوصیات روان‌شناختی کارگزاران و سطح کیفی تصمیم‌گیری‌های آنان برجسته ساختند. علاوه بر این، در عرصه بازار سرمایه کشور، جلیلیان و همکاران (۱۴۰۵) با تدوین الگوی رفتار استراتژیک سرمایه‌گذاران با رویکرد میانگین-واریانس پرتفوی در بورس اوراق بهادار، نشان دادند که بازمهندسی تصمیم‌گیری‌های مالی بدون لحاظ پویایی‌های رفتاری و انحرافات تحلیلی فعالان بازار ناممکن خواهد بود.

گرچه مساعی علمی فوق حقایق ارزشمندی را آشکار ساخته‌اند، اما مرور انتقادی این پیشینه برملا می‌کند که ادبیات موجود، سازه انحرافات رفتاری و مؤلفه توانمندسازی را به صورت گسسته، منفک و در بافت‌های فاقد پیچیدگی‌های خاص بورس اوراق بهادار تهران بررسی کرده‌اند. همچنین، اگرچه پژوهش‌هایی نظیر رومیانی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۵) بر اهمیت شایستگی‌های رفتاری مدیران و استقرار حاکمیت متعالی در نهادهای مالی صحه گذارده‌اند، اما هیچ‌یک از پژوهشات گذشته با یک دیدگاه تفسیری، اکتشافی و کیفی به این پرسش کلیدی پاسخ نداده‌اند که استقرار فرآیند توانمندسازی در شرکت‌های پذیرفته شده در اوراق بهادار تهران جهت پادکاهش سوگیری‌ها، با چه موانع عملیاتی، پارادوکس‌های پنهان سازمانی و چالش‌های نهادی مواجه است. این اشباع نظری پیشینه از مطالعات تک‌بعدی و کمی، ضرورت انجام پژوهش کیفی حاضر را جهت طراحی یک الگوی فرآیندی جامع و بومی به طور کامل تبیین می‌کند.

1 Kanapickienė et al.
2 Khare& Kapoor
3 Orgambídez et al
4 Kumar et al.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۲.سوالات پژوهش

تعیین شرایط علی در جهت توسعه تصمیم گیری های مالی با رویکرد نوین توانمندسازی روانشناختی .

تعیین شرایط زمینه ای در جهت توسعه تصمیم گیری های مالی با رویکرد نوین توانمندسازی روانشناختی .

تعیین شرایط محوری در جهت توسعه تصمیم گیری های مالی با رویکرد نوین توانمندسازی روانشناختی .

تعیین شرایط مداخله گر در جهت توسعه تصمیم گیری های مالی با رویکرد نوین توانمندسازی روانشناختی .

تعیین شرایط راهبردی در جهت توسعه تصمیم گیری های مالی با رویکرد نوین توانمندسازی روانشناختی .

تعیین مدل کاربردی توسعه تصمیم گیری های مالی با رویکرد نوین توانمندسازی روانشناختی

۳.روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف بنیادی آن مبنی بر واکاوی لایه‌های پنهان سازمانی و ارائه مدلی بومی، ماهیتی اکتشافی و تفسیری دارد. از آنجا که پدیده ادغام سازه‌های روان‌شناختی با فرآیندهای مالی بورس تهران فاقد چارچوب‌های نظری پیش‌ساخته و منسجم است، این مطالعه با اتکا به پارادایم تفسیری، از روش کیفی و راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد با رویکرد نظام‌مند اشتراوس و کوربین بهره می‌برد. انتخاب این استراتژی بر این منطق استوار است که کالبدشکافی چالش‌های رفتاری در تصمیم‌گیری‌های مالی، نیازمند تولید نظریه‌ای ریشه‌دار در واقعیت‌های عینی بستر پژوهش است که از طریق تعامل مستقیم با کنشگران اصلی بازار سرمایه حاصل می‌شود.

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش را خبرگان، استراتژیست‌ها و تصمیم‌گیرندگان ارشد حوزه مالی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهند. به منظور انتخاب نمونه‌ها، از استراتژی نمونه‌گیری هدفمند از نوع قضاوت‌محور و زنجیره‌ای استفاده شد. برای تضمین اعتبار و اصالت یافته‌ها، معیارهای شمول ارزیابی خبرگان به صورت دقیق و چندلایه تعریف گردید.

معیارهای ورود خبرگان به فرآیند مصاحبه عبارت بودند از: داشتن حداقل ۱۰ سابقه فعالیت مدیریتی یا مشاوره ارشد در لایه اول تصمیم‌گیری‌های مالی بورس، دارا بودن مدرک دکتری تخصصی در گرایش‌های مالی، حسابداری یا مدیریت بازرگانی، و داشتن تجربه زیسته مستقیم در مواجهه با تصمیمات پرریسک ساختاری و رفتاری. در مقابل، معیارهای خروج شامل عدم تمایل به اشتراک‌گذاری تجارب حساس سازمانی یا انقطاع شغلی بیش از ۳ سال از فضای بورس تهران بود تا پویایی و به‌روز بودن داده‌ها حفظ شود. مشخصات تفصیلی مشارکت‌کنندگان که نشان‌دهنده صلاحیت علمی و اجرایی آنان است، در ادامه درج گردیده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

جدول۱: مشخصات تفصیلی مشارکت‌کنندگان

ردیف	مرتبه علمی	سمت سازمانی و حوزه تخصصی	سابقه فعالیت (سال)	مبنای اصلی انتخاب به عنوان خبره
۱	دکتری مدیریت مالی	مدیرعامل شرکت تأمین سرمایه	۱۸	تجربه مستقیم در ساختاردهی به ابزارهای مالی پیشرفته
۲	دکتری حسابداری	معاون مالی کارگزاری گرید الف	۱۵	اشراف بر چالش‌های کنترل داخلی و ارزیابی ریسک
۳	دکتری اقتصاد مالی	عضو هیئت‌مدیره شرکت سرمایه‌گذاری	۲۲	تخصص در تحلیل رفتاری بازار و سیاست‌گذاری کلان
۴	دکتری حسابداری	مدیر حسابرسی داخلی هلدینگ مالی	۱۴	تسلط بر فرآیندهای شفافیت مالی و رفتارهای اخلاقی
۵	دکتری مدیریت مالی	استراتژیست ارشد سبدگردانی	۱۲	مواجهه روزمره با سوگیری‌های شناختی و مدیریت پرتفوی
۶	دکتری حسابداری	مشاور ارشد مالی و مالیاتی کارگزاری‌ها	۱۷	تخصص در عارضه‌شناسی ساختاری شرکت‌های بورس
۷	دکتری مدیریت مالی	مدیر ریسک شرکت تأمین سرمایه	۱۱	توسعه مدل‌های کمی ارزیابی مخاطرات رفتاری
۸	دکتری اقتصاد	معاون سرمایه‌گذاری هلدینگ مالی	۱۹	اشراف بر تعاملات نهادی و پویایی‌های بورس تهران

منبع:یافته های پژوهشگر

ابزار اصلی تولید داده‌ها در این استراتژی، مصاحبه‌های عمیقِ نیمه‌ساختاریافته بود که خطوط کلی آن بر اساس مفاهیم محوری استخراج‌شده از ادبیات پژوهش تنظیم و پیش از اجرا، با نظر سه تن از اساتید روش‌شناس روایی‌سنجی شد. در خصوص کفایت حجم نمونه و توجیه روش‌مند تعداد مصاحبه‌ها، فرآیند پیوسته تحلیل داده‌ها همگام با اجرای مصاحبه‌ها ملاک عمل قرار گرفت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، معیار توقف نمونه‌گیری، رسیدن به «اشباع نظری»است؛ یعنی زمانی که کدهای جدید دیگر ظاهر نشده، مفاهیم مستخرج تکراری بوده و ابعاد مقولات پیشین دچار تغییر یا بسط بیشتر نمی‌شوند.در این پژوهش، از مصاحبه ششم به بعد، نشانه‌های تکرار در کدهای محوری نمایان شد. با این حال، جهت اطمینان کامل از غنای اطلاعاتی و پوشش تمامی تنوع‌های رفتاری، مصاحبه‌ها تا نفر هشتم ادامه یافت. مقایسه این حجم نمونه با پژوهش‌های کیفی مشابه در حوزه مالی رفتاری بورس‌های نوظهور (مطالعات سیکولیا و همکاران، ۲۰۲۵؛ و خاری و کاپور، ۲۰۲۴) که با تعداد ۷ تا ۱۰ مصاحبه عمیق به اشباع رسیده‌اند، روایی فرآیند حاضر را تأیید می‌کند. چگونگی حرکت به سمت اشباع نظری در طول فرآیند تحلیل، در جدول زیر به تصویر کشیده شده است.

جدول۲: نحوه اشباع نظری فرآیند تحلیل

شماره مصاحبه	تعداد کدهای باز اولیه	تعداد کدهای جدید مستخرج	تعداد مقولات مفهومی توسعه‌یافته	وضعیت پایش اشباع نظری
مصاحبه ۱ و ۲	۸۴	۸۴	۱۱	شکل‌گیری شالوده اولیه مفاهیم و مقولات
مصاحبه ۳ و ۴	۶۲	۳۸	۱۶	توسعه ابعاد مقولات و کشف پیوندهای ساختاری
مصاحبه ۵	۴۱	۱۵	۱۸	آغاز هم‌پوشانی داده‌ها و تکمیل زوایای پنهان
مصاحبه ۶	۲۷	۴	۱۹	ظهور نشانه‌های جدی اشباع؛ کدهای جدید به حداقل رسیدند
مصاحبه ۷	۱۸	۱	۱۹	تکرار کامل مفاهیم؛ توقف روند زایش کدهای جدید
مصاحبه ۸	۱۴	۰	۱۹	تحقق کامل اشباع نظری؛ عدم تولید هیچ مفهوم یا ویژگی نوین

منبع:یافته های پژوهشگر

به منظور ارتقای معیار باورپذیری و قابلیت اعتماد یافته‌های کیفی، استراتژی‌های متعددی به کار بسته شد. برای تأمین اعتبار درونی، از تکنیک مثلث‌سازی منابع داده‌ای از طریق مصاحبه با ذینفعان با نقش‌های سازمانی متفاوت (مدیران اجرایی، حسابرسان و استراتژیست‌ها) و نیز بررسی اسناد و گزارش‌های عملکردی شرکت‌ها استفاده گردید. همچنین، کدهای مستخرج در قالب فرآیند «بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان» به سه تن از خبرگان ارائه‌شده و نظرات اصلاحی آنان در مدل اعمال شد. پایایی فرآیند نیز از طریق کدگذاری مستقلِ همزمان توسط پژوهشگر دوم بر روی متن دو مصاحبه محاسبه گردید که ضریب توافق ۸۷ درصدی، ثبات و پایایی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

سیستم کدگذاری را تایید نمود.عملیات واکاوی و تحلیل داده‌ها بر اساس مدل سه مرحله‌ای اشتراوس و کوربین صورت پذیرفت. در گام اول (کدگذاری باز)، متون مصاحبه‌ها خط به خط مطالعه و گزاره‌های کلیدی در قالب مفاهیم اولیه نشانه‌گذاری شدند. در گام دوم (کدگذاری محوری)، با کشف پیوندهای معنایی و سنخیت سنجه‌ها، مفاهیم هم‌گرا در ذیل مقولات انتزاعی‌تر دسته‌بندی شده و ماتریس پارادایمی (شامل شرایط علی، پدیده محوری، ویژگی‌های زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) شکل گرفت. نهایتاً در گام سوم (کدگذاری انتخابی)، با یکپارچه‌سازی مقولات پیرامون داستان اصلی پژوهش، الگوی پارادایمی نهایی توسعه تصمیم‌گیری مالی بر بستر توانمندسازی روان‌شناختی در بورس تهران ترسیم گردید.

٤.یافته های پژوهش

واکاوی فرآیند تصمیم‌گیری‌های مالی بر بستر توانمندسازی روان‌شناختی در بورس تهران، مستلزم عبور از لایه‌های سطحی و نفوذ به عمق تجارب زیسته‌ی کنشگران کلیدی این عرصه است. از این رو، در پژوهش حاضر، داده‌های متنی حاصل از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با خبرگان ارشد بازار سرمایه، با بهره‌گیری از راهبرد نظام‌مند نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (بر اساس رویکرد اشتراوس و کوربین) مورد تحلیل قرار گرفت. فرآیند واکاوی با پیاده‌سازی دقیق متون مصاحبه و شکستن گام‌به‌گام لایه‌های معنایی آغاز گردید تا زیرساخت لازم برای توسعه‌ی تئوریک پدیده‌ی مورد مطالعه فراهم آید.

استخراج الگوهای مفهومی در این پژوهش از طریق فرآیندی دیالکتیکی و رفت‌وبرگشتی میان داده‌های خام و مفاهیم انتزاعی صورت پذیرفت. به منظور پرهیز از هرگونه سوگیری تفسیری پژوهشگر و تأمین اعتبار و اصالت تئوری مستخرج، واکاوی داده‌ها در سه سطح متوالی و منسجم سازماندهی شد: سطح نخست، کدگذاری باز که به انتزاع مفاهیم اولیه از شواهد تجربی اختصاص دارد؛ سطح دوم، کدگذاری محوری که طی آن مقولات در قالب ماتریس پارادایمی شش‌بعدی صورتبندی می‌شوند؛ و سطح سوم، کدگذاری انتخابی که به خلق خط داستان و یکپارچه‌سازی نهایی نظریه می‌انجامد.پیش از تشریح جزئیات هر یک از این مراحل تحلیلی، ضروری است استحکام متدولوژیک و پایایی نظام کدگذاری به‌عنوان پیش‌شرط اساسی برای ورود به یافته‌های کیفی، به‌شکلی مستدل به اثبات برسد. این مهم، تضمین‌کننده‌ی قابلیت اعتماد و انتقال‌پذیری نتایج پژوهش خواهد بود.

تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های عمیق، بر اساس استراتژی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (رویکرد نظام‌مند اشتراوس و کوربین) انجام شد. پیش از ترسیم مدل، استحکام و قابلیت اعتماد ابزار پژوهش از طریق شاخص توافق درون‌موضوعی بین دو کدگذار مستقل بر روی ۳ مصاحبه منتخب، با فرمول زیر ارزیابی گردید:

$$\text{درصد توافق درون موضوعی} = (\text{تعداد کدهای مورد توافق}) * 2 / (\text{تعداد کل کدها}) * 100$$

نتایج این بررسی در جدول زیر ارائه گردیده است:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

جدول ۳: ارزیابی توافق بین دو کدگذار

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کدها (کدگذار اول و کدگذار دوم)	کدهای مورد توافق	پایایی
۱	مصاحبه یک	۵۹	۲۲	۵۲/۳۸درصد
۲	مصاحبه سه	۸۸	۳۳	۷۸/۵۷ درصد
۳	مصاحبه پنجم	۹۲	۲۹	٦۹/۰٤ درصد
کل		۲۳۹	۸٤	۷۰/۲۹درصد

منبع:یافته های پژوهشگر

کسب ضریب پایایی کل ۲۹/۷۰ درصد (بالاتر از مرز استاندارد ۶۰ درصد)، روایی تفسیری و قابلیت اعتماد سیستم کدگذاری را تضمین می‌کند.

در گام اول (کدگذاری باز)، متون مصاحبه خط به خط تحلیل و در مجموع ۶۰ کد باز اولیه استخراج شد. جهت تفکیک صریح لایه شواهد تجربی از تحلیل پژوهشگر، زنجیره استخراج کدهای کلیدی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۴: بخشی از کدهای باز مستخرج از۸ مصاحبه باخبرگان

متن برآمده از مصاحبه (شواهد متنی)	کدهای باز
"نوسانات سیاسی یک‌شبه تمام معادلات تحلیلی چندماهه را بر هم می‌زند. این عدم قطعیت دائمی، فشار روانی زیادی بر تصمیم‌گیرندگان وارد می‌کند..."	محیط VUCA بازار سرمایه
"معاملات الگوریتمی سرعت را به حدی افزایش داده که گاهی تصمیم‌گیری انسانی به نظر کُند می‌رسد... حجم داده‌های غیرساختاریافته، ابزار جدید می‌خواهد."	تحولات دیجیتال و فناوری‌های مالی
"وقتی پایه‌های اقتصاد کلان نوسان شدید دارد، بهترین مدل‌های مالی نیز کارایی خود را از دست می‌دهند... اتکای صرف به مدل‌های کمی گذشته‌نگر جوابگو نیست."	بی‌ثباتی اقتصاد کلان و ناامنی مدل‌ها
"سال‌هاست بر اعداد و ارقام متمرکز شده‌ایم، غافل از اینکه پشت هر رقم، رفتارهای انسانی قرار دارد... در نهایت تحت تأثیر جو اتاق معاملات تصمیم می‌گیرند."	پارادوکس مدل‌های کمی و رفتاری
"مشکل گروه‌اندیشی در تیم‌های ما مزمن شده. وقتی رئیس مدیر نظر می‌دهد، سایرین سکوت می‌کنند... یا به دلیل تعصب، شواهد متناقض جدید را نادیده می‌گیرند."	سوگیری‌های شناختی و گروه‌اندیشی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

جدول ۴: بخشی از کدهای باز مستخرج از۸ مصاحبه باخبرگان

متن برآمده از مصاحبه (شواهد متنی)	کدهای باز
"واحدهای ما مانند جزایر جداافتاده عمل می‌کنند. تیم تحلیل گزارش می‌دهد، معاملات تصمیم می‌گیرد، و ریسک پس‌ازحادثه ارزیابی می‌کند. ناهماهنگی بالاست."	ساختارهای جزیره‌ای سازمان
"بار گزارش‌دهی به قدری سنگین شده که از کار اصلی عقب می‌افتیم... ممکن است به جای تمرکز بر کیفیت تصمیم، بر مستندسازی آن متمرکز شویم."	الزامات شفافیت بروکراتیک
"سرمایه‌گذاران نهادی اولین سؤالشان درباره رعایت استانداردهای ESG است. شرکتی که از نظر حکمرانی مشکل دارد، حتی با اعداد خوب هم جذاب نیست."	تغییر پارادایم به سمت معیارهای ESG
"بازار به تحلیل‌گرانی نیاز دارد که همزمان داده‌های پیچیده را پردازش کنند، رفتارهای بازار را درک کنند و تحت فشار تصمیم بگیرند. چنین افرادی نادر هستند."	شکاف مهارتی (تلفیق مالی و رفتار)
"نیروهای جوان امروز می‌پرسند: کار من چه تأثیری دارد؟ و چقدر آزادی عمل دارم؟ اگر احساس کنند نقش آن‌ها صوری است، انگیزه خود را از دست می‌دهند."	ترجیحات نسل جدید نیروی کار
"مدیران خوب زیادی داریم که می‌توانند تصمیم‌گیری کنند، اما مدیرانی که بتوانند تیم خود را توانمند کنند، کم‌شمارند. توانمندسازی یعنی اعطای اختیار با پشتیبانی."	کمبود رهبران توانمندساز
"راه برون‌رفت این نیست که کنترل را بیشتر کنیم. برعکس، باید ظرفیت افراد را افزایش دهیم. وقتی فرد مهارت فنی و اعتمادبه‌نفس شناختی دارد، بهترین تصمیم را می‌گیرد."	جایگزینی کنترل با توانمندسازی
"تا زمانی که پاداش فقط به سود کوتاه‌مدت گره خورده، افراد برای رسیدن به نتیجه، از فرآیندهای درست عبور نمی‌کنند و ریسک‌های پنهان و غیراخلاقی می‌پذیرند."	فرآیندمحوری در نظام پاداش

منبع:یافته های پژوهشگر

در گام دوم (کدگذاری محوری)، کدهای باز بر اساس تجانس مفهومی در ذیل ۱۵ محور فرعی یکپارچه شده و طبق منطق مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین در ابعاد شش‌گانه قرار گرفتند. خروجی این طبقه بندی ساختاری در جدول ۵ منعکس شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

جدول ۵: مقوله های مستخرج از مفاهیم

بُعد	مقوله	مفاهیم محوری و ساختاری	کدهای باز
شرایط علّی (عوامل پیشران)	محرک‌های ساختاری و پارادایمی	۱. پویایی و نااطمینانی ساختاری بازار سرمایه ۲. گسیختگی فناورانه و تحولات فین‌تک ۳. تقلیل‌گرایی ناشی از غفلت از مالی رفتاری	• پیش‌بینی‌ناپذیری سیستماتیک اتمسفر بورس تهران • فشار رقابتی اتوماسیون الگوریتمی بر بافت سنتی • سلطه انحصاری رویکردهای کمی و اثباتگرایانه
پدیده محوری (مفهوم مرکزی)	بازمهندسی تصمیم‌گیری مالی با رویکرد توانمندسازی رفتاری	۱. بازآفرینی و انسانی‌سازی نظام تصمیم‌گیری ۲. پارادایم توانمندسازی روان‌شناختی کارشناسان	• احیای قضاوت حرفه‌ای و شهود در کنار مدل‌های کمی • توسعه احساس معنا، شایستگی و خودمختاری مالی
شرایط زمینه‌ای (بستر سازمانی)	ساختار نهادی و فرهنگ سازمانی حاکم	۱. بوروکراسی تمرکزگرای شدید ۲. فرهنگ سازمانی ریسک‌گریز و ملامت‌محور ۳. عارضه شکاف مهارتی و دانش تخصصی	• انسداد و انحصار قضاوت در لایه‌های ارشد مدیریتی • حاکمیت رویکرد مقصریابی و سرکوب خلاقیت تحلیل‌گر • نارسایی آموزش‌های دانشگاهی در تلفیق مالی و رفتار
شرایط مداخله‌گر (عوامل محیطی)	اقتضائات و پیشران‌های تعدیل‌کننده کلان	۱. نااطمینانی و بی‌ثباتی اقتصاد سیاسی ۲. تعارض فرستنده‌های نقش (کوتاه‌مدت در برابر بلندمدت) ۳. تکانه‌های نظارتی و حاکمیتی فزاینده	• اختلال در برنامه‌ریزی استراتژیک تحت تاثیر تحریم‌ها • فشار ذینفعان برای شناسایی سودهای فصلی و مقطعی • بروکراسی سنگین گزارش‌دهی به قیمت تضعیف زمان تحلیل
راهبردها (کنش‌ها و تعاملات)	فرآیند یکپارچه توانمندسازی و توسعه قابلیت‌ها	۱. تدوین اسناد بومی حکمرانی رفتاری ۲. استقرار سیستم‌های ارتقای مهارت‌های مرکب ۳. اصلاح نظام انگیزشی و بازطراحی ساختار پاداش ۴. بسترسازی برای ساختارهای آزمایشی ایمن	• آیین‌نامه تفویض اختیار قضاوت به سطوح میانی • کارگاه‌های شبیه‌سازی تصمیم‌گیری تحت استرس بازار • گره زدن پاداش به کیفیت فرآیند تصمیم (نه صرفاً بازده) • تشکیل اتمسفرهای آزمایشی و تیم‌های خودگردان
پیامدها (برون‌دادهای سیستمی)	تعالی استراتژیک و پایداری عملکردی	۱. بهبود ارگانیک کیفیت تصمیمات مالی ۲. انعطاف‌پذیری و چابکی پورتفوی سازمانی ۳. پایداری و تاب‌آوری سیستماتیک شرکت	• کاهش معنادار خطاهای شناختی و سوگیری رفتاری • پاسخگویی سریع و منعطف به تکانه‌های ناگهانی بورس • هم‌راستایی ساختار تصمیم‌گیری با استانداردهای جهانی

منبع:یافته های پژوهشگر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

روابط ساختاری متبلور در مدل پارادایمی حاصل از خروجی پژوهش (شکل ۱)، نشان‌دهنده یک جریان پویا و رفت‌وبرگشتی میان ابعاد شش‌گانه پژوهش است. منطق حاکم بر این شبکه تئوریک بیانگر آن است که محرک‌های ساختاری و پارادایمی نظیر نااطمینانی بازار اوراق بهادارتهران، شتاب تحولات فین‌تک و تقلیل‌گرایی ناشی از غفلت از مالی رفتاری در مدل‌های سنتی (شرایط علّی)، سازمان‌های مالی را با ضرورتی اجتناب‌ناپذیر جهت بازمهندسی تصمیم‌گیری‌های مالی از طریق سازوکارهای روان‌شناختی و انسانی‌سازی فرآیندها (پدیده محوری) مواجه می‌سازد.

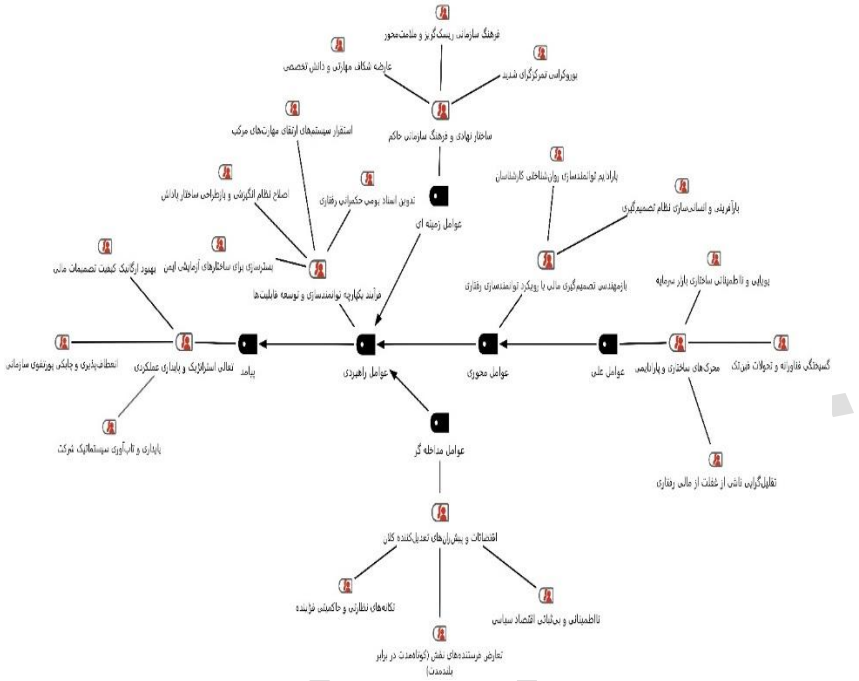
تحقق و استقرار این مفهوم مرکزی در خلاء صورت نمی‌پذیرد؛ بلکه بسترهای سازمانی موجود مانند بوروکراسی تمرکزگرا، فرهنگ ریسک‌گریز ملامت‌محور و شکاف مهارتی کارشناسان (شرایط زمینه‌ای)، در کنار تکانه‌های اقتصاد سیاسی، تحریم‌ها و فشارهای نظارتی فزاینده (شرایط مداخله‌گر)، به عنوان نیروهای تعدیل‌کننده محیطی عمل کرده و فرآیند پدیده را محدود یا جهت‌دهی می‌کنند.

بر این اساس، سازمان‌ها برای مدیریت پدیده محوری و عبور از موانع بستر حاکم، ملزم به اتخاذ و اجرای یک «نظام یکپارچه توانمندسازی» (راهبردها) هستند که ابعادی چون تدوین اسناد حکمرانی رفتاری، استقرار مهارت‌های مرکب، بازطراحی فرآیندمحور پاداش و بسترسازی برای ساختارهای آزمایشی ایمن را در بر می‌گیرد. عملیاتی‌سازی نظام‌مند این راهبردها در نهایت پویایی‌های سیستم را دگرگون ساخته و به «تعالی استراتژیک و عملکردی» (پیامدها) منتج می‌شود که شاخص‌ترین برون‌دادهای آن، بهبود ارگانیک کیفیت تصمیمات مالی، مهار سوگیری‌های شناختی، ارتقای چابکی پورتفوی و تاب‌آوری سیستماتیک شرکت در مواجهه با تکانه‌های بازار سرمایه است.



شکل ۱-مدل پارادایمی پژوهش بر اساس رویکرد داده بنیاد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]



شکل ۲: مدل پارادایمی خروجی مکس کیوی دی

۵.بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی پارادایمی و شکستن تقلیل‌گرایی ناشی از غفلت از مالی رفتاری در مدل‌های سنتی، به طراحی الگوی توسعه تصمیم‌گیری‌های مالی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران همت گماشت .دستاورد متدولوژیک این پژوهش، عبور از پیش‌فرض‌های کلاسیک و ارائه‌ی یک تئوری فرآیندی و تفسیری است که نشان می‌دهد قضاوت‌های مالی، نه اسناد محاسباتی مجزا، بلکه تلاقی‌گاهی از ساختارهای نهادی، اقتضائات روان‌شناختی و پویایی‌های رفتاری هستند .در این راستا، واکاوی لایه‌های پنهان شرایط علّی در مدل استخراج‌شده نشان می‌دهد که نااطمینانی ساختاری و پویایی بازار سرمایه در کنار شتاب گسیختگی فناورانه فین‌تک‌ها و معاملات الگوریتمی، مدل‌های کمی گذشته‌نگر را با عارضه ناامنی تحلیلی مواجه ساخته است .این پدیده، مهر تأییدی بر یافته‌های کاناپیکینی و همکاران (۲۰۲٤) و خاری و کاپور (۲۰۲٤) است که مبرهن ساختند حتی متخصصان و استراتژیست‌های ارشد مالی نیز در بازارهای نوظهور در برابر خطاهای ادراکی مصونیت ندارند .با این حال، تحلیل تلاقی این محرک‌ها با پدیده محوری مشخص می‌سازد که سلطه انحصاری رویکردهای اثبات‌گرایانه و تکیه بر فرمول‌های صلب حسابداری نظیر ارزش اقتصادی افزوده، در مواجهه با محیط آشوبناک بورس تهران کارایی خود را از دست داده است .در واقع، خطای بزرگ نظامات مالی کنونی این است که قضاوت حرفه‌ای و شهود کارشناسان را به نفع مدل‌های ریاضی سنتی سرکوب کرده‌اند، در حالی که در زمان تکانه‌های شدید بازار، این ظرفیت‌های روان‌شناختی و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

انگیزش درونی تحلیل‌گران است که پایداری تصمیم را تضمین می‌کند .این تبیین، لایه رفتاری پژوهش ماهاما و چنگ (۲۰۱۳) را به شکلی پویا توسعه می‌دهد .

از سوی دیگر، منطق فرآیندی الگوی مستخرج برملا می‌سازد که گذار به این پارادایم نوین و بازآفرینی سیستم تصمیم‌گیری بر مبنای احساس معنا، شایستگی، خودمختاری و تأثیرگذاری کارشناسان، که با دستاوردهای کلاسیک اسپریزر (۱۹۹۵) و مطالعات نوین ملهام و همکاران (۲۰۲٤) و اوچوا پاچکو و همکاران (۲۰۲۳) در حوزه مدیریت رفتار سازمانی قرابت دارد، در خلاء صورت نمی‌پذیرد؛ بلکه این فرآیند با سدهای ساختاری محکمی در شرایط زمینه‌ای مانند بوروکراسی تمرکزگرای شدید و فرهنگ سازمانی ریسک‌گریز ملامت‌محور و نیز شرایط مداخله‌گر نظیر نااطمینانی اقتصاد سیاسی، تحریم‌ها و پارادوکس الزامات سودآوری کوتاه‌مدت فصلی مواجه است .کالبدشکافی ریشه‌ای این تلاقی نشان‌دهنده یک پارادوکس ساختاری عمیق در نهادهای مالی ایران است؛ چرا که سازمان‌ها از یک‌سو از تحلیل‌گران خود خلاقیت، چابکی و مهار سوگیری‌های توده‌وار را مطالبه می‌کنند، اما از سوی دیگر، حاکمیت رویکرد مقصریابی و انسداد قضاوت در لایه‌های ارشد مدیریتی، کارشناسان را به سمت محافظه‌کاری افراطی و سکوت سازمانی سوق می‌دهد. هنگامی که بار گزارش‌دهی بروکراتیک به قیمت تضعیف زمان تحلیل سنگین می‌شود، کارشناس چاره‌ای جز پناه بردن به تصمیمات توده‌وار ندارد تا در صورت شکست، مورد ملامت قرار نگیرد. این یافته عینی، پارادوکس پنهان میان اختیار فردی کارشناس و انضباط ساختاری سازمان را که سیکولیا و همکاران (۲۰۲۵) و استانیولینه و زاوکیس (۲۰۲۲) به صورت فرضی مطرح کرده بودند، در بافتار پویای بورس تهران عارضه‌شناسی و تبیین می‌کند .

در پاسخ به این انسداد نهادی، راهبردهای استخراج‌شده شامل تدوین اسناد بومی حکمرانی رفتاری، نظام انگیزشی فرآیندمحور و بسترسازی برای ساختارهای آزمایشی ایمن، به عنوان کاتالیزورهای تغییر عمل می‌کنند. تحلیل تئوریک این بخش مشخص می‌سازد که تا زمان گره خوردن پاداش‌ها به حجم معاملات یا سودآوری کوتاه‌مدت فصلی، تحلیل‌گران به قیمت پذیرش ریسک‌های پنهان، فرآیندهای کنترل داخلی را دور می‌زنند .راهبرد پیشنهادی این مدل مبنی بر پیوند پاداش با کیفیت فرآیند تصمیم‌گیری و مهار سوگیری‌ها، رفتارهای اخلاقی را نهادینه می‌کند که این امر بسط تکاملی پژوهش ارگامبیدیزی و همکاران (۲۰۲٤) و کومار و همکاران (۲۰۲۳) است .در اتمسفر پژوهشی ایران نیز، این شبکه فرآیندی نسبت به رتبه‌بندی خطی عوامل در مطالعه تاجیک و همکاران (۱٤۰۲) و جایگاه واسط اخلاق در پژوهش دهرویه و همکاران (۱٤۰۰) کارایی بالاتری دارد؛ زیرا مبرهن می‌سازد که پیامد نهایی کار یعنی تعالی استراتژیک و پایداری عملکردی، محصول فرعی و ارگانیکِ چابکی شناختی و مهار خطاهای رفتاری است، نه لزوماً تشدید کنترل‌های فیزیکی حسابرسی .در نهایت، این پژوهش اثبات می‌کند که ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری‌های مالی و توسعه پایداری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، نیازمند یک چرخش پارادایمی بنیادین از نگاه صرفاً فنی-محاسباتی به سمت رویکرد انسان‌محور و توانمندسازی شناختی است؛ چرا که خطاهای استراتژیک مالی، ریشه در فرمول‌های ریاضی ندارند، بلکه محصول بستر سازمانی تمرکزگرا و نظامات انگیزشی معیوبی هستند که سوگیری‌های رفتاری را بازتولید می‌کنند .

بر مبنای شواهد تفسیری این مدل، پیشنهاد می‌شود مدیران ارشد هلدینگ‌های مالی و کارگزاری‌های بورس تهران با بازطراحی ساختارهای سلسله‌مراتبی و لغو انحصار قضاوت در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

لایه‌های ارشد، دستورالعمل‌های بومی تفویض اختیار را تدوین نموده و بستر بروز خودمختاری را در کارشناسان میانی فراهم آورند .همچنین اصلاح بنیادین نظامات پاداش از طریق گره زدن سنجه‌های تشویقی به کیفیت فرآیند تصمیم‌گیری، رعایت استانداردهای اخلاقی و مهار سوگیری‌های شناختی به جای تمرکز انحصاری بر سودآوری فصلی ضرورت دارد .در نهایت، تأسیس اتمسفرهای آزمایشی رفتاری، توسعه کانون‌های ارزیابی، ایجاد تیم‌های خودگردان مهارتی و کارگاه‌های شبیه‌سازی تصمیم‌گیری مالی تحت استرس شدید بازار، جهت مهار عارضه شکاف مهارتی و تلفیق کارآمد دانش محاسباتی حسابداری با سواد رفتاری به شدت توصیه می‌شود .

پیش از انتشار

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

منابع

۱. تاجیک، ع.، دیده‌خانی، ح.، و اسلامی مفیدآبادی، ح. (۱۴۰۲). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل شناختی مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های راهبردی مالی مدیران شرکت ملی گاز ایران. *پژوهش‌های روانشناختی در مدیریت*، *۹* (۱)، ۲۴۳–۲۷۲.

۲. جلیلیان حمید، قنبری مهرداد، جمشیدپور روح اله، مرادی علیرضا. تدوین الگوی رفتار استراتژیک سرمایه‌گذاران با رویکرد میانگین-واریانس پرتفوی در بورس اوراق بهادار. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامي. ۱۴۰۵; ۱۵ (۵۶) :۲۰۳-۲۲۰
URL: http://mieaoi.ir/article-۱-۲۰۸۷-fa.html

۳. دهرویه، ا.، اشرفی، م.، و جمادوردی گرنگانلی، ح. ع. (۱۴۰۰). نقش ویژگی‌های روانشناختی-اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های مدیران: با توجه به نقش میانجی اخلاق حرفه‌ای. *اخلاق در علوم و فناوری*، *۱۶* (۱)، ۱۴۲–۱۵۰.

۴. رومیانی نژاد غلام رضا، جابرانصاری محمدرضا، طاهری گودرزی حجت، طاهری روزبهانی محمد. پیامدهای استقرار الگوی شایستگی مدیران مبتنی بر حکمرانی متعالی در نظام بانکی ایران. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامي. ۱۴۰۵; ۱۵ (۵۶) :۲۰۲-۱۸۵
URL: http://mieaoi.ir/article-۱-۲۰۱۸-fa.html

5. Agarwal, S., Amromin, G., Ben-David, I., Chomsisengphet, S., & Evanoff, D. D. (2015). Financial literacy and financial planning: Evidence from India. *Journal of Housing Economics*, *27*, 4–21. https://doi.org/10.1016/j.jhe.2015.02.003
6. Alfiana, A., Azizi, M., Eka, A. P., & Srifatmawati, A. (2025). Behavioral finance and its impact on corporate financial decision making. *Journal of Economic, Bussines and Accounting (COSTING)*, *8*(2). https://doi.org/10.31539/costing.v8i2.14394
7. Černevičienė, J., & Kabašinskas, A. (2024). Explainable artificial intelligence (XAI) in finance: A systematic literature review. *Artificial Intelligence Review*, *57*(8), Article 216. https://doi.org/10.1007/s10462-024-10850-x
8. Choque-Copari, C., Cutipa-Quilca, B., Apaza-Ccopa, C., & Yunga-Zegarra, E. (2024). Educación financiera y la toma de decisiones de los estudiantes en colegios emblemáticos de una ciudad peruana. *Technological Innovations Journal*, *3*(3), 21–31. https://doi.org/10.35622/j.ti.2024.03.002
9. Dewi, F., & Purwantoro, R. N. (2024). The influence of financial well-being on happiness and financial decision making in Indonesia. *International Journal of Business Studies*, *8*(3). https://doi.org/10.32924/ijbs.v8i3.331
10. Dhillon, G., Abdul Talib, Y. Y., & Picoto, W. N. (2020). The mediating role of psychological empowerment in information security compliance intentions. *Journal of the Association for Information Systems*, *21*(1), Article 5. https://doi.org/10.17705/1jais.00595

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

11. García-Juan, B., Escrig-Tena, A. B., & Roca-Puig, V. (2020). Psychological empowerment: Antecedents from goal orientation and consequences in public sector employees. *Review of Public Personnel Administration*, *40*(2), 297–326. https://doi.org/10.1177/0734371X18814590
12. Guerrero, S., Chênevert, D., Vandenberghe, C., Tremblay, M., & Ben Ayed, A. K. (2018). Employees' psychological empowerment and performance: How customer feedback substitutes for leadership. *Journal of Services Marketing*, *32*(7), 868–879. https://doi.org/10.1108/JSM-09-2017-0325
13. Hadbaa, H., & Boutti, R. (2019). Behavioral biases influencing the decision making of portfolio managers of capital securities and traders in Morocco. *Financial Markets, Institutions and Risks*, *3*(1), 92–105. https://doi.org/10.21272/fmir.3(1).92-105.2019
14. Jannat, T., Arefin, M. S., & Akhter, H. (2025). Empowerment as a catalyst for ethical behaviour in financial organizations. *Asian Journal of Basic Science & Research*, *7*(2), 31–45. https://doi.org/10.38177/ajbsr.2025.7205
15. Kanapickienė, R., Vasiliauskaitė, D., Keliuotytė-Staniulėnienė, G., Špicas, R., Omeir, A. K., & Kanapickas, T. (2024). A comprehensive review of behavioral biases in financial decision-making: From classical finance to behavioral finance perspectives. *Journal of Business Economics and Management*, *25*(5), 1006–1029. https://doi.org/10.3846/jbem.2024.22314
16. Khare, A., & Kapoor, R. (2024). Behavioral biases and financial decision-making in emerging markets: An empirical investigation of investment professionals. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, *41*, Article 100892. https://doi.org/10.1016/j.jbef.2024.100892
17. Khare, T., & Kapoor, S. (2024). Behavioral biases and the rational decision-making process of financial professionals: Significant factors that determine the future of the financial market. *Journal of Advances in Management Research*, *21*(1), 44–65. https://doi.org/10.1108/jamr-03-2023-0086
18. Kumar, P., Pillai, R., Kumar, N., & Tabash, M. I. (2023). The interplay of skills, digital financial literacy, capability, and autonomy in financial decision making and well-being. *Borsa Istanbul Review*, *23*(1), 169–183. https://doi.org/10.1016/j.bir.2022.09.012
19. Li, K. (2025). Research on the digital transformation and evaluation of securities firms: An empirical study in Southern China. *SHS Web of Conferences*, *218*, Article 01028. https://doi.org/10.1051/shsconf/202521801028
20. Mahama, H., & Cheng, M. M. (2013). The effect of managers' enabling perceptions on costing system use, psychological empowerment, and task performance. *Behavioral Research in Accounting*, *25*(1), 89–114. https://doi.org/10.2308/BRIA-50333

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

21. Milhem, M., Ateeq, A., Dawood, S., Alzoraik, M., & Alastal, A. Y. M. (2024). The impact of transformational leadership on the job performance of ICT employees in Palestine: The role of psychological empowerment as a mediating factor. *International Journal of Innovative Research and Scientific Studies*, *7*(4), 1662–1670. https://doi.org/10.53894/ijirss.v7i4.3479
22. Mo, N. T., Cao, M. T., Anh, T. T. L., & Van Hai, T. (2024). Human resource management factors in financial analysis of securities companies. *International Journal of Economics and Financial Issues*, *14*(4), 154–160. https://doi.org/10.32479/ijefi.16348
23. Muhammad, N., Najmudin, N., & Kurniasih, R. (2022). Examining the contribution of internal factors of an investor in driving the investment decision. *International Journal of Economics, Business and Management Studies*, *9*(9), 25–35. https://doi.org/10.36713/epra11170
24. Nazari, E. C., & Mukhtaruddin, M. (2025). Transformasi artificial intelligence dalam akuntansi keuangan: Inovasi dalam pengambilan keputusan atau memunculkan tantangan baru?. *Jurnal Ekonomi, Bisnis dan Manajemen*, *4*(1), 77–101. https://doi.org/10.58192/ebismen.v4i1.3158
25. Ochoa Pacheco, P., Coello-Montecel, D., & Tello, M. (2023). Psychological empowerment and job performance: Examining serial mediation effects of self-efficacy and affective commitment. *Administrative Sciences*, *13*(3), Article 76. https://doi.org/10.3390/admsci13030076
26. Orgambídez, A., Benítez, M., León-Pérez, J. M., & Cantero-Sánchez, F. J. (2024). Structural empowerment, personal initiative, and job satisfaction in service employees: Exploring the mediating role of psychological empowerment. *Scandinavian Journal of Psychology*, *65*(5), 911–918. https://doi.org/10.1111/sjop.13040
27. Sikolia, D., Bahr, G., & Luse, A. (2025). The mediating role of psychological empowerment in information security compliance intentions: A replication. *Communications of the Association for Information Systems*, *57*(1), Article 44. https://doi.org/10.17705/1CAIS.05745
28. Sikolia, D., Mukanzi, C., & Njenga, G. (2025). Psychological empowerment and strategic financial decisions: Navigating cognitive biases under organizational stress. *International Journal of Finance & Banking Studies*, *14*(1), 45–59. https://doi.org/10.20525/ijfbs.v14i1.3104
29. Staniulienė, S., & Zaveckis, A. (2022). Employee empowerment in remote work in case of Lithuanian companies. *Sustainability*, *14*(14), Article 8463. https://doi.org/10.3390/su14148463
30. Yuanfang, Z. (2023). Optimization of financial market risk prediction system based on computer data simulation and Markov chain Monte Carlo. *Soft Computing*, *27*, 1–10. https://doi.org/10.1007/s00500-023-08370-y

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]